



ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ادبیات داستانی پست مدرن و نسل جدید نویسندگان آمریکایی

آهنگ‌های پست مدرن در ضد داستانهای آمریکایی

همیشه فکر می‌کردم که فرانک اوتکار داستان نویس بزرگ سرپسرم ما می‌گذاشت، وقتی که گفت، با هم با هم با هم به طور شگفت‌انگیزی به داستان کوتاه پرداختند و می‌توان گفت که داستان کوتاه قالب هنری و ملی آمریکایی‌هاست.

آمریکایی‌ها ملی جمع‌های مختلف داستان‌های کوتاه عالی و شگفت‌انگیزی نوشته‌اند. هر چند که اینک برای اثبات داستان کوتاه به عنوان یک قالب هنری و ملی آمریکایی آماده نیستیم ولی در واقع، بین کوناوینا جانتان، اندیاس لادن‌ها، قالب‌ها و تدابیر روایتی آمریکایی و همین وجود در داستان‌های کوتاه اوترندی، ایتالیایی، فرانسوی و حتی داستان‌های کوتاه انگلیسی تفاوتی نمی‌بینم.

بدون شک کتاب *The Lonely Voice* حاوی مجموعه مقالات اوتکار در باب داستان کوتاه، بحث انگیزترین نقد ادبی است و احتمالاً هر کسی که نظری کلی بر داستان کوتاه داشته، در درک آن موفق بوده است. این اثر که در سال ۱۹۶۲ در ایالات متحده به چاپ رسید، شامل مقالات قابل فهم اما نسبتاً عجیب و غریبی دربارهٔ نورگینف، لزانس، همدیوکی، ایراک بابل، ماری لایون و دیگران است و آن‌ها که را تبدیل به فرضیه‌های مشهور دربارهٔ داستان‌های کوتاه حسنی شده، بیان می‌کند. به تعبیر اوتکار این داستان‌ها دارای قالب‌های بنیادین و یا طبیعی هستند. چیزهایی ساختگی اند که حتی همیشه هم کوتاه نیستند؛ و این که ما امروزه آن‌ها باید در دنیای واقعی شنیده و دارای شرح و بسط و جلایه باشند. اوتکار معتقد است که معمولاً داستان‌های خوب دربارهٔ فاشان‌های قانون شکنی است که می‌خواهند از دست گروه‌های مردم فلک‌زده فرار کنند، نه دربارهٔ شخص‌های عادی همساز با جامعه. در این باره اوتکار وضعیت دوم را به همان‌هاش اختصاص داده و باز این که داستان‌ها به طور طبیعی رمانتیک، مستقل و جدی هستند و آمریکا مکانی است دارای توری وحشیانه و مملو از اتفاقات آشفته حال که گاه با ظرافت فریب‌تان می‌دهد و بدین طریق ایالات متحده را مکانی برای کشمکش داستان‌های کوتاه می‌کند.

در واقع اثر *The Lonely Voice* زمانی پدیدار شد. سال ۱۹۶۲ که اولین داستان کوتاه‌ها را نوشتم. که آخرین مرحلهٔ آثار تجربی و بازیگری در نگارش داستان کوتاه در آمریکا هاروی را این نویسندگان و خوانندگان و گفتمانی بود. فعلاً اوتکار زمانی این نظرات را دربارهٔ داستان کوتاه آمریکایی اثرش داشته که احتمالاً از تأثیر جدیدترین نوع نگارش داستان در آمریکا برکنار مانده بود. به خصوص زمانی که این شیوه نگارش را به ظاهر بسیار متفاوت با آن چیزی می‌دید که خودش می‌نویسید. گرچه بسیاری از موارد اقتدار واضح اوتکار دربارهٔ موضوع‌های و شخصیت‌ها شرح مفصل و بسط، در داستان‌های ایرانی دیده شده است و وجود داشته، اما با گسترش نگارش جدید آمریکایی آن‌چه که مفید داستان‌ها و با ظرافت‌ها و بعدها در دههٔ هفتاد ادبیات داستانی بسط‌گرا و تشکیک‌گرا شد. شیوهٔ معنای داستان کوتاه ریشه‌گن گردیده و به صورت نرم‌تری فراموش زمان و مکان و واقع در این کار نوع مشخص نیست. داستان‌هایی که اغلب هر چه

شخصیتی در آن‌ها وجود ندارد، بدون وقایع و با خامه خطی هستند. فاقد موضوع‌هایی متمایز باشند و در آن‌ها اتفاقات به عنوان روزمره، بهمانا و با حتی نادیده واقع به کار نمی‌روند. خرسث شبیه به شیوه‌ای که تا کمی پیش از سروانتس وجود داشت. بلکه اثری روایتی‌اند که مزاجی اختیاری و که گاه کنایه‌آمیز به صورت‌های محسوس و آهنگ و صدایی رسا دارند و مجموعهٔ پیچیدگی‌ها و طعم‌های داستان‌ها لذت قابل درک و زیبایی‌شناختی خاص و فریبی به وجود می‌آورند. این‌ها داستان‌هایی زشت و خوشگند، کاملاً متفکر، بر خط‌مربعی زبرکند، کنایه‌آمیز و خود را جادند که البته اثر جزو داستان به حساب می‌آیند. این‌گونه داستان‌ها در برابر نظریهٔ وحدت تقلید واقع‌بینانهٔ فرانک اوتکار پایلاری می‌کند و بسیاری از ما که در دههٔ شصت در ابتدای حرفهٔ نویسندگی بودیم حتی اگر نظریهٔ وحدت اوتکار را بسیار می‌پسندیدیم و حتی به روش نوین نمی‌نویسیدیم، بنویسیم باز آن‌ها را دوست داشتیم و توسط آن‌ها متخیر می‌شدیم.

این آثار جدید با مخالفت بسیاری از نویسندگان و خوانندگان آمریکایی نیز مواجه می‌شود. نویسندگان این گونهٔ اثر، نوشته‌های نسل‌های پیشین را ملائمتگر و طاری از احساس و منگی به خلق می‌دانستند و معتقد بودند نویسندگان پیشین که بهترین نویسندگان آمریکا می‌شماریم، نباید قالب داستان را برخلاف آن‌چه که نویسندگان جدید در سر داشتند، یک الگوی ثابت تلقی می‌کردند. در حالی که نویسندگان جدید قالب داستان را روشنی از ابهامات

تدبیر‌پذیر و چندگونه که باید به طور مداوم درگیران پذیرد و فعال باشد می‌دانستند. فرزند *Process* از برای بود که در دههٔ های شصت و هفتاد بر سر زبان‌ها افتاده بود. به نظر نویسندگان جدید مؤلفه‌های داستان‌های پیشین همگی ریشه‌های ثابت و مشترک داشتند به این ترتیب که، هم‌قیمت روند یک داستان ساختگی مشترک بود. تعلیم و تربیت، روند روش‌های افسانه‌ای نامعجز بود. از آنجمله روند همسازهای در حال تکامل بود. زندگی و روند بسیاری از جنبه‌های تکن‌شدن و فناوشدنی بود. اگرچه این عناصر در همان داستان‌های اولیه به شکل واضح و حدی، و حتی گمراه به سمت استعاره‌های بی‌بهره و هنرهای تازه در پیونگ‌ها و زمان و مکان وقایع داستان، شخصیت‌ها و زمان روایتی شگلی و گرایش یافته بود.

مؤلفه‌ها مجموعهٔ آثار ادبیات داستانی تحت عنوان *The Art-Story Anthology* شامل کتابی از خورشید لوانس، یورگن، ویلیام گس، جان بارش، دیوانه بارلم در مقدمهٔ اثر می‌نویسد. شاید ادبیات داستانی دههٔ پنجاه آمریکا میانهٔ روایتی نوع ادبی در نیمهٔ قرن و احتمالاً تنها اسلوب بیان هنری فرخندهٔ تقلید باشد. روزی که سال ۱۹۶۲ را می‌آورد. سندی در یک نشریهٔ را می‌خواندم که خبر از ریاست جدید گوردن لیش *Gordon Lish* در برخی از مجله‌های ادبیات داستانی موهبت‌گرا بود. و همه ما آرزو می‌کردیم که نوشته‌هایمان در این نشریه به چاپ برسند. لیش در یکی از نوشته‌هایش می‌گوید، ما اکنون ادبیات داستانی وسیله‌ای برای بیان یک احساس و حال و هوا و حالت شخصیت‌ها و زمان و مکان، تبدیل به عوامل اصلی یک اثر شده است و این عوامل در نقطهٔ مقابل عناصر روایتی بنیادین داستان‌های بزرگ دههٔ پنجاه قرار گرفته‌اند.

تمام این‌ها در نظر من خوشایند است. گرچه مفهومی بودن این عوامل در آثار نسل‌های پیشین، تا آن جایی که من می‌دانم، و با حتی نسل‌های بعدی آن‌ها برابر آشکار نبود. اثری که دوست داشتیم، اثری از جان اپدایک، جویس کیول، لوانس، لوتوارد، اما می‌کنار نه قابل پیش‌بینی بودند و نه می‌توانیم حتی اگر مردم را همان‌طور که هستند تدبیر دهند و با دایره‌های آفرینش حاصل معنی خاصی باشد. در هر صورت پیوندی واضحی دربارهٔ حال و هوا، جایزه‌گری و سبک از

فرانک اوتکار داستان‌نویس ایرانی معتقد است که معمولاً داستان‌های خوب در بار داستان‌های قانون شکنی است که می‌خواهند از دست گروه‌های مردم فلک‌زده

فرار کنند، نه در بار اتفاقات عادی همساز با جامعه

داستان‌ها به طور طبیعی رمانتیک، مستقل و جدی هستند و آمریکا مکانی است دارای توری وحشیانه و مملو از اتفاقات آشفته حال که گاه با ظرافت فریب‌تان می‌دهد

نقد رمان روز استقلال



سال ۱۹۸۲. مسافرات بساویسند ورزشی برای آخرین بار فرانک باسکوم هدیه فرمان خشمگین رمان تجسین برانگیز رچارد فورد به نام نویسنده ورزشی *The Sportswriter* را ملاقات می‌کند. او سی و هشت ساله و در آستانه آوارگی و سرگردانی است. فرانک، این روزنامه‌نگار و نویسنده پیشین داستان کوتاه، انسانی که با ترک و تکرش فوق‌العاده اجتماعی قلند شده، فرگیرودار زندگی مادی و ملاحظه‌آور با جدایی از همسر و عدم اعتماد به نفس فراینده مواجهه گرفتار روان پریشی گشته است.

The Sportswriter، کت اسکن (مستگاهی که تصویری از بافت‌های نرم بدن و مغز را نشان می‌دهد) جالب و سرگرم‌کننده‌ای از روان شنوریده خیال امریکاست. سال ۲۰۰۲ - داستان فرانک ادامه می‌یابد.

فرانک با میلستان روز استقلال *Independence Day* دوباره برگشته و حالا چهل و چهار سال دارد او در انتظار تطبیق چهارم جولای است. و قصد دارد تا در این روز دوستش *Sally Gladwell* را ملاقات کند و پهل کتلاک پسر پانزده‌ساله‌اش را به مسافله بسکتبال و مسکن‌های مشهور هیسپال ببرد. پهل پس از مرگ برادرش رالف *Ralph* هنوز آرزایش روحی‌اش را به دست نیابوده و که گاه همچون سنگ پارس می‌کند. گروهی از روان‌پزشکان او را از لحاظ فکری برتر از سن‌اش می‌دانند. در حالی که معتقدند از لحاظ احساسی رشد نکرده است. پهل به‌تازگی به خاطر نزدی از یک مغزها دستگیر و نیز به اتهام ضرب و شتم پهلش به دادگاه کشیده شده است. فرانک معتقد است که تفریح با پسرش مسری با هدف آمیزش است. این که فرانک به جای هر چیز برای پسرش نسخه‌ای از اثر لرسون موسوم به اعتماد بنفس *Self-Reliance* را فرستاده تا به او بدهاند که چهارم جولای تاملی اراده خارق‌العاده بشری است تا حدودی ابرواقع‌بینانه می‌آید و ما را به بازنگری موقعیت امریکای امروزی وامی‌دارد که حد واقعی استقلال را بشناسیم.

فرانک در *The Sportswriter* به عنوان بازمانده دهه ۱۹۶۰ و نیز نسل بعدی اثر *Hollow Men* نی‌اس‌الوت^۱ ظاهر می‌شود به گفته خودش، او مردی است که هنوز باید یاد بگیرد همه چیز را در حد متعادل بخواند. فرانک در اثر پیشین فورد این گونه معرفی شده او یک تصویرکات نبودن است که اعتقاد دارد گزندش‌های زندگی محدودند و این که با همه بدگمانش انسان را پست و خوار می‌سازد و نزدیک مرگ کائنات و هشتادگشتن می‌کند. گروه او مضمم است تا مثل یک آدم با نراکت از تیب جویی بسیار خودنظری کند. او نوشتن درباره موضوع‌های ورزشی را کنار گذاشته

می‌کنند. آن‌ها زبان را برای ما جذاب و لذت‌بخش می‌کنند. تصویرت ذهنی ما را برمی‌انگیزند و طعم و اندوه را از ذهن ما دور می‌کنند. □

این مقاله برگرفته از کتاب *The Granta Book of the American Short Story* تألیف رچارد فورد است.

پس نوشت‌ها:

۱. Frank O'Connor (1903-66) نمایش‌نامه‌نویس، رمان‌نویس و نویسنده ایرلندی.
۲. Iliar (Belyayev) Turgenev (1818-83) رمان‌نویس، شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و نویسنده روس.
۳. Djalil Hjalilovic Lermontov (1815-1840) رمان‌نویس، نویسنده، شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و سفرنامه‌نویس انگلیسی.
۴. Ernest Miller Hemingway (1899-1961) رمان‌نویس و نویسنده امریکایی، برنده جایزه نوبل ۱۹۵۴.
۵. Isak Emmanuilovich Babec (1884-1941) نویسنده روسی.
۶. Mary Lavin (1912, 1990) نویسنده ایرلندی، ژانر اسکریپت.
۷. Miguel de Cervantes (1547-1616) نمایش‌نامه‌نویس و شاعر اسپانیایی، خالق ماکبوت، بریتانیون و موزونین شخصیت در اسپان اسپانیا.
۸. Jodge Luis Borges (1899-1986) نمایش‌نامه‌نویس، مقاله‌نویس و نویسنده آرژانتینی که نوشته‌های او نیز اثر کلاسیک ادبیات قرن بیستم به‌شمار می‌آید.
۹. William Howard Gass (1924-) نویسنده مشهور امریکایی.
۱۰. John Barth (1930-) نویسنده مشهور امریکایی.
۱۱. Donald Barthelme (1931-88) نویسنده و رمان‌نویس امریکایی.
۱۲. Gordon Lieb.
۱۳. John Updike (1932) رمان‌نویس، نویسنده و شاعر امریکایی، برنده جایزه پولیتزر سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۹۱.
۱۴. Joyce Carol Oates (1939-) رمان‌نویس، نویسنده و مقاله‌نویس امریکایی.
۱۵. Leonard Michaels.
۱۶. Eudora Welby (1909-) نویسنده و رمان‌نویس امریکایی.
۱۷. Paul Bowles (1910-99) آهنگساز، مترجم، رمان‌نویس و نویسنده مراکش‌تبار.
۱۸. James Baldwin (1924-97) مقاله‌نویس، رمان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس امریکایی.
۱۹. William Faulkner (1897-1962) رمان‌نویس و داستان‌نویس امریکایی، برنده جایزه نوبل ۱۹۵۴.
۲۰. Sir Stephen Spender (1900-95) شاعر و منتقد انگلیسی.
۲۱. Raymond Carver (1939-88) نویسنده و شاعر امریکایی.
۲۲. Ardon (Fadlovich) Chaklov (1860-1904) نمایش‌نامه‌نویس، درام‌نویس و استاد تئاتر ماساچوست.
۲۳. Gue de Maupassant (1850-93) نویسنده و رمان‌نویس فرانسوی.
۲۴. Anatole France (1868-43) نمایش‌نامه‌نویس، شاعر، رمان‌نویس و منتقد امریکایی که شهرت وی به خاطر امثال اوزار، شخصیت درامی همچون زاروت، فرانسوا، واکان و حسن و ویلیام کراوس و ویلیام نو دهه ۱۹۵۰ است.
۲۵. William Trevor (1929-) نویسنده و رمان‌نویس ایرلندی.

و می‌خواهد در خانه همسر قبلی‌اش آن **Ann** زندگی کرده‌به میزان دلال معاملات ملکی مشغول به کار شود و همچنین شغل قبلی‌اش فرصت‌های بسیاری را برای تفسیر کتابهایش از زندگی انسان فراهم می‌کند. او می‌گوید: «شما به مشتری خانه نمی‌فروشید بلکه یک زندگی را می‌فروشید»

پابل پسر چه می‌است که هر کسی از ریزش‌های یا تو فر خرابان‌های شهر متأسف می‌شود و فرنگ می‌خواهد یا او زندگی کند تا بتواند به زندگی خودش هم سرورسانی بدهد. این دیگر فرنگ محلی است که می‌تواند با آن همسر قبلی‌اش فریاد بزند کند که برآورده شدن این نیاز بعد است. زیرا آن فرنگ را بدبین‌ترین انسان در این دنیا به می‌داند و به علاوه قصد دارد با آرزینیکت دست و پا... **Charley** او را فرنگ اولی **Charley** **O'Dell** از بیخ کد او به نام فرنگ می‌گوید. باز او چنان می‌شود، برای این که در ابتدا دوست نداشته تو را دوست داشته‌به خاطر این که به تو اعتماد نداشته. من به شخصی نیاز داشته که دل‌ش پاک باشد فقط همین و آن هم تو نبودی، سومین نیاز شدید فرنگ برقراری از تعلق کوی و چندی با مستقل سلی است. اما هنوز مشکلات وجود دارد سلی دشمن می‌کند. فرنگی بر روی عفتش آیر شده است چیزی که نمی‌تواند چشمی فروتن فریاد می‌زند و با من و شما از تعلق دارد. آیا با نظر من می‌توانید...
روابط فرنگ با بسیاری از مردم غریب و حیرت‌انگیز است. او با بهترین مستقلی که هر شش مکتب‌گزار آن بود تابه صحبت می‌کند. فرنگ این گونه رفتار با ناسفته و رود به حیطة استقلال یا آن چه که خود دوران هستی می‌داند شده است. این دوران در پی کشمکش‌های ناگه و خشک‌دانه آغاز شده است.

فرنگ با مشکل مکلود **McLeod** مستاجر سه‌هفت‌هفت‌هفت که همسری سه‌هفت‌هفت دارد نیز مواجه است. این زوج در یکی از خانه‌های فرنگ واقع در محله دور افتاده محله **Widdon** زندگی می‌کنند. مکلودها با حاشی پارس‌سازانه منبع از ایجاد هر گونه حس تریستی و همدری در فرنگ می‌شوند. پتی **Betty** همسر مکلود سر و ریخت اندوختی ناگهانی را در خانه از آن‌ها نشان فرصت‌های زندگی برای تفسیر می‌کند اما کلاً ناست به فرستی تصمیمات اشتباهی که منجر به نابودی این فرصت‌ها شده اعتمادشان فرزند در نظر فرنگ مکلودها خانواده‌ای خوب نیست که خود را در خانه او سیر کرده بیایه‌های می‌میزان صافتر می‌کنند، پلیس یا بهرگیر بر می‌دهند و در نهایت هر چیزی را به آتش کشیده و همه را به قتل می‌رسانند. اگر چه با خود می‌گوید: «البته این‌ها دلاهایی برای بیرون کردن آن‌ها از خانه‌ام نیست»

در زمان فروردین برین در سال‌گرا ن اصلی که در سپهر-فر فرنگ هستند. شخصیت‌های فرعی

به‌اندک‌اندکی دیده می‌شوند همانند رئیس قبلی او **Schwindell** پیر که از بازی **Pall-mall** و از سر لوله یک تاک تاک اکسون دست نمی‌کشد. و با چتر **Char** سرانیزر گستاخی که فرنگ او را در دبیرسلی **Deerleyer** فرغ‌سلیس در کسودزاتین **Cooperstown** ملاقات می‌کند. فرنگ آن‌جا فرجست و جوی نسخه‌ای از نوبل‌های قدیمی به چیزی بی می‌رود که او را به سمت یکی از صحنه‌های کلاً کتابهایش زمان هدایت می‌کند.

رمان اغلب درگیر توصیفات تکراری زمان و مکان واقع است. بعضی وقایع همچون تلاش فرنگ برای گرفتن اجاره‌ای و خانواده مکلود، رسم‌ها به مثلی هر ایالت کنکینیکوت (در شمال خاوری ایالات متحده) فرست پس از این که قتل باوقوع پیوسته. و ماهازی قتل دلال معاملات ملکی هیلند یک راز شده است. به جایی نمی‌رسد. در سوی دیگر، پیرنگ فلانسان با مختل شدن عقاید بنیادین فرنگ شکل می‌گیرد. می‌تواند به دیولوار یا خود حرف بزند، اسباب و اثاثیه را خرد کند، سنت شوید، شوهرت خود را خرد و خمیر کند و بند انگشتان را با آجرهای بیرونی اتاق فرنگی‌گری که در آن سکونت دارد خونین کند. اما در آخر موفقیت امری از تیریز نفاذید و محصور به تصمیم بگیرد که کارهای قبلی را تکرار نکند و کنار گذاشتن‌شان با نازاری‌ها و پریشان‌خاطری یعنی هیولا است.

تنتظری می‌رود که ملاقات فرنگ با فوشش سلی بدون نتیجه قطعی باشد. افسی امیدوار است که روزی فرنگ دست به کار شده و برای او کاری فراموش نشدنی کند. هیولوارا ترکمیر پس از آن که چهل و پنج خانه را می‌بیند. هر کدام فرمی‌باشد که با تعلق معاملات ملکی، فرنگ با تعلق و خرابی و آکه سرگرم جام پسته‌بده بودند از فست می‌تند و تلاش فرنگ برای آنگ که به پسر پریان حال‌ش به سمت فلاکت و زبلی جزیران‌بازر تغییر جهت می‌دهد.

در نهایت مشکلاتی که چنگ نوبلی فرنگ به باقرین توجه برطرف می‌شود و با حاشی و به‌بهرین وجه برای آنگ که او با دنیا تفریح‌گویی که من وجود نداشته تا این که من همانند تفریح دیگر وجود ندارد و او بدون این سکتی که فرود در لحنه‌های کمیک به باهم‌مانی رهاش به‌طور موثری از آن بهره می‌گیرد. فرنگ تلاشش در صحنه‌های باقلی رمان اولین گام‌های آزمایشی خود را از دوران هستی و نظری استقلال به سمت افراک حس اشتراک با دیگر انسان‌ها که از آن به عنوان دوران جوانی نام می‌برد. فرزند او در طعمه‌های از زمان چنین می‌گوید: «زمان بسیار طولانی و متناهی که در آن هنگام روایع همانند هر شخص دیگر دارای رازی خواهد بود. یاد رفتی که هر چیزی را می‌گویم و با انجام می‌دهم، با چه کسی ازواج می‌کنم، وضعیت

بهم‌عامی در آینده چه خواهد شد»
و چارلز فرورد با مهارتی کونپلیر در روز استقلال شخصی‌اش خلق می‌کند که او را به خوبی همسایه‌های خود می‌شناسیم. فرنگ در بین شخصیت‌های رمان امریکایی برای خود جابجایی در کنار لویی **W.B. Loman** و هری انگستروم **Harry Angstrom** کرده است. جابجایی که با نازکی غیرطبیعی و ناممکن‌وار و درایت منطقی نشأت گرفته از فرورد به دست آمده است.

واقعیت حزن‌انگیز زندگی افراد باقی این است که: شما درست با همان چیزهایی مواجه خواهید شد که هرگز نمی‌توانید در زمان نزدیک شنیدن خود را با آن وفق بدهید. نشان آن‌ها را همانند مشکلاتی که هست می‌بینید. تکرار می‌گردد و همه چیز را تنظیم می‌کند و به اتمز را به آنگ می‌گرداند و همه چیز را تنظیم می‌کند و به خودتان می‌گوید که مجبور هستید روند همه چیز را تیسر دهید. اما نخواهد نوشت، برای این کار تقریباً دیر شده و شاید هم موضوع از این هم بهتر شده است. ممکن است چیزی که از دور دست می‌آید و شما نیز شاهدش هستید، واقعی نباشد. شاید آن چه شما را می‌ترساند تصویر یک پیامد بد است، اما آن چه می‌تواند از آن وحشت می‌کند از قبل اتفاق افتاده است. این قضیه در باطن مشابه این افراک است که اگر چه ما تمام پیشرفت‌های علم پزشکی را تحسین می‌کنیم. امیدوار هستیم که با کسانی به موقع در دسترس قرار گیرد و فکر می‌کنیم که موضوع بهتر خواهد شد. اما به نظرمان تمام پیشرفت‌های بزرگ در علم پزشکی هیچ سودی برای ما ندارد. برای این که باز هم دیر شده است. ما هم قبل از این که متوجه بشویم زندگی‌مان به همان طریق پایان می‌یابد و ما همه چیز را از دست می‌دهیم. □

این نوشته‌ها:

1. **Thomas S. Sorensen** (1888-1960) نامی انگلیسی‌زبان چارلز لومان

2. **Pall-mall** بازی بی‌ارزی قدیمی کوچی چینی را با شریه چنگل نویی در میان صحنه اصلی که در کتابهای در زمین غرق ندره می‌کند

3. **W.B. Loman** نامی از رمان **W.B. Loman** و **Harry Angstrom** نامی از رمان **Harry Angstrom**